

نگاهی به وضعیت بحرانی تیم ملی صد روز مانده تا جام جهانی قطر

# آزیر قرمز در اردوگاه یوزها



**کزارش یک**
**شیوانوروزی**

مطرح شده اوضاع نه تنها آرام نشده است بلکه حواشی جدید را نیز باید به چالش‌های قبلی اضافه کرد. قبلا اگر همه حرف‌ها بر سر نداشتن بازی تدارکاتی بود، حالا همه نگران پاندبازی، چنددستگی و نفوذ جریان‌های مشکوک به تیم ملی هستند. آتش آفتدر ششور شده است که می‌تواند صراحتا وارد بازی‌های ام‌دی‌بریتی می‌شوند و در اموری دخالت می‌کنند که هیچ از تپاطی به آنها ندارد. اینکه اسکوچیچ ابقاشده، چطور قرار است از پس شاگردان سرکش بریپاید، خودش یک معضل و البته نگرانی بزرگ در مسیر حضور در جام جهانی قطر خواهد بود.

◼◼◼

**بی‌برنامگی محض**

از وقتی گرومندی جام‌جهانی مشخص شد،تیم‌های مختلف برای تدارکات بهتر و انتخاب رقبای تدارکاتی دست به کار شدند. مسئولان فدراسیون مانیز همین وعده‌ها را دادند، ولی صحبت‌های‌شان در حد وعده‌وعد باقی ماند و در عوض سایر تیم‌ها تکلیف اردوها و بازی‌های دوستانه‌شان را مشخص کرده‌اند. تنها تیم آسیایی هستیم که هیچ بازی تدارکاتی ثبت شده در فیفادی ندارد،م و در سردرگمی محض، گذاشته بود و این تجربه می‌توانست در موفقیت حریف تدارکاتی را به برخی مسائل غیرفوتبالی

◼◼◼

**کزارش ۲**

**دنیاچیدری**

◼◼◼

◼◼◼

◼◼◼

**کورسوی امیدی** که با حضور مهدوی کیا روی نیمکت تیم ملی فوتبال امید ایران ایجاد شده بود نیز خاموش شد تا آرزوی المپیک شدن امیدهای ایران همچنان باقی بماند.

انصراف از حضور در بازی‌های کشورهای اسلامی تیر خلاصی بود بر پیکر امید فوتبال ایران. انتخاب مهدی مهدوی کیا اگر چه با انتقادهایی از سوی عده‌ای همراه بود اما به زعم بسیاری نیز امیدوارکننده بود چراکه او برخلاف بسیاری از هم‌دوره‌های خود به طور اصولی وارد عرصه مربیگری شده و تمرکز خود را روی تیم‌های پایه گذاشته بود و این تجربه می‌توانست در موفقیت امیدهای ایران و شکسته شدن طلسم چند دهه اخیر برای حضور این تیم در المپیک تأثیر بسزایی داشته باشد، اما طولی نکشید که مشخص شد مشکل یکی دو تا نیست که با یک انتخاب قابل قبول حل و فصل و زمینه‌ساز طلسم‌شکنی شود.

◼◼◼

عدم حمایت از امیدهای ایران بزرگ‌ترین معضلی است که طی این چهار دهه صدای تمام آنهايي که سکن هدایت این تیم را به دست گرفته‌اند، درآورده است. بی‌توجهی مسئولان در کنار عدم‌همکاری باشگاه‌ها برای دادن بازیکن به تیم امید باعث شده است تمام آنچه در خصوص موفقیت امیداها برای حضور در المپیک گفته می‌شود شعاری باشد و بس؛ مسئله‌ای که مهدوی کیا را هم مثل دیگر مربیان چنان به زانو درآورد که شخصاً پیشنهاد کناره‌گیری از حضور در بازی‌های کنشوره‌های اسلامی را داده؛ تصمیمی که اگر چه برای فوتبال ایران و امیدها گران تمام می‌شود و جریمه‌ای سنگین روی دست فوتبال ایران می‌گذارد اما شاید

مهمترین تصمیم بود، وقتی دست کیا و نیمکت او برای حضور در این رقابت‌ها خالی بود.

◼◼◼

برپایسی اردوهای منظم و هدفمند، برگزاری

بازی‌های تدارکاتی اصولی و کار بردی نکات حائز

اهمیتی است اما مسئله مهم‌تر همکاری باشگاه‌ها

برای حضور بازیکنان در اردوها، تمرینات، بازی‌های

دوستانه و مهم‌تر از آن رقابت‌های مختلف است؛

مسئله‌ای که همواره در بزنگاه‌های مهم، امیدهای

ایران را به چالش می‌کشاند؛ اتفاقی که این بار

نوبت مهدوی کیا بود که تجربه‌اش کند، آن هم در

شرایطی که آیین‌نامه اولویت را به تیم‌های ملی

می‌دهد و این یعنی هیچ باشگاهی حق نمرد ندارد

و باید اجازه حضور بازیکنان دعوت‌شده به تیم ملی

را صادر کنند اما مشکل این است که باشگاه‌ها

اهمیت لازم را به تیم ملی به خصوص امیدها

## د

**با خوش خیالی و تکذیب واقعیت‌ها چیزی جز ناکامی و شکست عایدمان نخواهد شد.**

**اول از همه باید تکلیف رئیس جدید مشخص شود، منتها با دیدن آسامی نامزدهای نهایی باز هم نمی‌توانیم به آینده فوتبال کشور خوش‌بین باشیم. تازه هر کسی هم در مارا تن انتخابات پیروز شود و لابی‌ها پیش به ثمر بنشیند، در فرصت اندک باقی‌مانده نمی‌تواند معجزه کند**

بی‌توجهی و عدم‌همکاری باز هم امید ایران را ناامید کرد

# وقتی فوتبال نمی‌خواهد المپیک‌ی شود

بحث کرونا مانع از جریمه مالی امیدها خواهد شد اما مهم‌تر از جریمه مالی، عدم‌حضور در رقابت‌هایی است که به لحاظ فنی و آماده‌سازی برای کیا و یارانش اهمیت بسیاری داشت.

پیش‌تر یکی از عمده مشکلات امیدها درگیری بین کمیته ملی المپیک و فدراسیون فوتبال بود؛ اختلاف‌نظرهایی که دود آن مشکلات را به گوش امیدها می‌رفت، اما تعاملات ایجادشده این بار اختیار تام را به دست فدراسیون فوتبال داده بود و کمیته بیشتر نقش ناظر را ایفا کرد، اما حتی این مسئله هم نتوانست چاره‌ساز باشد چراکه این بار دلمشغولی‌های فدراسیون اجازه مهیا کردن شرایط برای امیدها را نمی‌داد، هر چند از گوشه و کنار خبرهایی نیز در خصوص اختلاف نظر کمیته و فدراسیون با سرمربی تیم ملی امید ایران به گوش می‌رسد؛ مسئله‌ای که به نظر می‌رسد در مهیا نشدن شرایط برای تیم ملی فوتبال امید و لغو اعزام آنها به بازی‌های کشورهای اسلامی دخیل است، هر چند شرایط به گونه‌ای رقم خورد که کیا خود نیز خواهان عدم‌حضور در این رقابت‌ها شد.

◼◼◼

برگزاری رقابت‌های مختلف، اعم از دوستانه و رسمی می‌تواند امیدهای ایران را به مرز آمادگی برساند و بازی‌های کشورهای اسلامی به همین دلیل اهمیت بالایی داشت و فرصت خوبی بود برای تیم ملی فوتبال امید؛ بهترین موقعیت برای ایجاد هماهنگی و رسیدن بازیکنان امید به مرز آمادگی اما عدم‌همکاری باشگاه‌ها در کنار بی‌توجهی فدراسیونی که سر سرپرست آن به انتخابات گرم است، باعث شد این موقعیت عالی به سادگی از دست برود، هر چند به زعم برخی مطرح کردن

◼◼◼

**شکسته شدن حرمت‌ها**
پیشتر فقط دغدغه نداشتن برنامه‌ریزی و حریف تدارکاتی را داشتیم، ولی حالا باید بیشتر از مسائل فنی نگران اتفاقات پشت‌پرده و حواشی غیرفنی باشیم. بازیکنانی که سرمربی را قبول ندارند و او را در حد و انداز‌های سرمربیگری در جام‌جهانی نمی‌دانند، قطعاً در بازی‌های حساس پیش‌رو برای تیم دردمس‌ساز خواهند شد. چطور می‌توان از لژیونری که در اروپا خوش می‌درخشد، پیشنهادهای خوبی هم دارد و جزو مخالفان سرمربی بوده است، انتظار داشت در تمرینات به حرف درآگان گوش و تاکتیک‌های او را در زمین بی‌حرف و حدیث اجرا کند. این اولین باری نیست که تیم ملی در استانه یک رویداد مهم با مسائل حاشیه‌ای دست‌وپوش نرم می‌کند، منتها این بار با دفعات قبلی تفاوت‌های فاحشی دارد؛ بی‌پروایی و صراحت، ملی‌پوشان منتقد هیچ ابایی از بیان نظرات خود و دیگران ندارند، ضمن اینکه باور و به‌جنگ‌های انتخاباتی با پارا از بحث‌های فنی هم فراتر گذاشته‌اند و این در نوع خود اتفاقی نادر محسوب می‌شد.

◼◼◼

شرایط اصلا خوب نیست و با هیچ ترغندی نمی‌توان وضعیت اسفناک تیم‌ملی را انکار کرد، به زودی فیفادی از راه می‌رسد و تیم‌هایی که برنامه دارند، اردو می‌زنند و بازی‌های دوستانه‌شان را برگزار می‌کنند، برخی تیم‌های راه‌یافته به جام‌جهانی هم باید در رقابت‌های قاره‌ای حاضر شوند. آسیایی‌های مدعی هم مثل همیشه به آب و آتش می‌زنند تا با بهترین تدارکات و بالاترین سطح آمادگی به استقبال جام‌جهانی بروند. این وسط فقط تیم ایران است که در شناختیم و کسی حرفی از تغییر کار نفرنی زد، اما بعد از اردوی بی‌فایده قطر، اتفاقاتی پشت‌پرده افتاد و دخالت‌های سیاسیون و زیاده‌خواهی‌های برخی از ملی‌پوشان یک گل به خودی بزرگ به فوتبال ملی مان زد. هر چه دیگر تیم‌ها به فکر آماده‌سازی و هماهنگی کردند، اینچازا بازیکنان کارشناس و کمیته فنی تمام تلاش‌شان را کردند تا اتحاد تیم را از بین ببرند و متأسفانه موفق هم بودند، باز هم نداشتن مدیر کاربلد، حرفه‌ای و مقتدر به یک جنجال بزرگ ختم شد و بسیاری از لژیونرها رسماً خواهان برکناری اسکوچیچ بودند. مرد کروات اگر چه بعد از چندین روز جارجونجال همچنان سرگش در تیم‌ملی را حفظ کرد، ولی معلوم نیست بعد از خدشه‌دار شدن جایگاهش و موضع‌گیری ملی‌پوشان کلیدی، چه ا پسنده‌ای در انتظار تیم کشورمان در قطر خواهد بود.

◼◼◼

**جنگ قدرت**
گستاخی اول بازیکنان و عدم‌برخورد قاطع و عبرت‌آموز با مسیبان جنجال برکناری اسکوچیچ آنها را وقیح‌تر کرد تا جایی که این بار علیه نماینده‌ان مجلس استوری مشترک منتشر کردند و در دوگنص انتخابات فدراسیون گفتند، به عقیده بازیکنان اسمی تیم‌ملی، کسی نباید از مسیبان پرونده ویلموتس حرف بزند و آنها را بازخواست کند، در صورتی که عامل این افضاح حالا یکی از گزیننه‌های ریاست است و بازیکنان نیز در مقام حمایت از او برآمده‌اند.

◼◼◼

◼◼◼

◼◼◼

◼◼◼

◼◼◼

پس از پایان رقابت‌های المپیک‌ک از فرصت چهار ساله برای برنامه‌ریزی استفاده کنید، در نهایت حدود ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ بازیکن را شناسایی خواهید کرد و اگر این تعداد بازیکن را در اردوها و مسابقات متعدد ببینید، دیگر نیست به اینکه باشگاه‌ها ۱۰ یا ۱۰۰ بازیکن خود را به تیم امید ندهند، نگران نخواهید شد و لنگ نمی‌مانید.»

◼◼◼

مهدوی کیا اما بعداز تجربه تلخی که از نشستن روی نیمکت تیم ملی امید ایران داشت، آب پاکی را روی دست همه ریخت: «با تیم نصفه‌نیمه هیچ کاری نمی‌توان کرد و با این شرایط تا فرودگاه مهرآباد بار دلمشغولی‌های فدراسیون اجازه مهیا کردن شرایط برای امیدها را نمی‌داد، هر چند از گوشه و کنار خبرهایی نیز در خصوص اختلاف نظر کمیته و فدراسیون با سرمربی تیم ملی امید ایران به گوش می‌رسد؛ مسئله‌ای که به نظر می‌رسد در مهیا نشدن شرایط برای تیم ملی فوتبال امید و لغو اعزام فوتبال ایران نیز نخستین روز حضور کیا در جمع امیدها تأکید داشت انرژی مثبت و جوانی مهدی مهدوی کیا و در عین حال تجربه بالایی که از سال‌ها حضور در فوتبال آلمان و مسابقات بین‌المللی دارد، می‌تواند کمک شایانی به شکسته شدن طلسم ۵۰ساله امیدها برای حضور در المپیک کند اما به شرط همدلی و همکاری؛ اتفاقی که با وجود شعارهای ابتدایی هرگز رخ نداد تا اندک امیدی که به شکسته شدن این طلسم ایجاد شده، بعد از کنارگیری تیم امید از حضور در مسابقات فونیه بار دیگر به ناامیدی تبدیل می‌شود، از همین امروز می‌توان به وضوح دید که حسرت حضور امیدها در المپیک بار دیگر تمدید و تکرار خواهد شد.

◼◼◼

**نگاه**

## فریب بزرگ

◼◼◼

**فریدون حسن**

فوتبال به عنوان یک پدیده مهم و تأثیرگذار بر شرایط اجتماعی از سوی دولت‌ها، صاحبان قدرت و نفوذ و ثروت همواره مورد توجه بوده و است. این پدیده عجیب و غریب با حواشی و سروسادهای خاص خود طی چندین دهه گذشته چنان پیشرفت کرده است که دیگر حتی خود پدیدآورندگان آن هم از کنترلش عاجز هستند و تنها به اتفاقاتی که رخ می‌دهد با حیرت نگاه می‌کنند.

به جرئت می‌توان گفت وقتی فوتبال پا به ایران گذاشت، کمتر کسی توقع داشت در مقابل رشته‌ای چون کشتی که با پوست و خون مردم ایران عجین شده بود، چندان اقبالی داشته باشد اما جادوی توپ و مستطیل سبز خیلی زود کارساز شد و هر چند هنوز هم که هنوز است کشتی را ورزش اول ایران می‌نامند اما این فوتبال است که تمام نگاه‌ها را به سمت خود جلب می‌کند. نکته مهم اینکه فوتبال ایران برخلاف فوتبال حرفه‌ای دنیا هیچ گاه سروسامان درستی نداشته است. به تاریخ فوتبال ایران که نگاه کنیم، به جز معدود سال‌هایی که فوتبالی‌ها برایش تصمیم گرفته‌اند و اتفاقاً بدهم نبوده است، در مابقی سال‌ها همواره سیاسیون برآریکه قدرت فوتبال سوار بوده و ضربات جبران‌ناپذیری را به این رشته وارد کرده‌اند، فوتبال در سال‌های پیش از انقلاب در اختیار اهرم‌های قدرت دربار بود که برای سرگرم کردن مردم به دورنگ آبی و قرمز تقسیم شده بودند و در این میان بقیه تقریباً محلی از اعراب نداشتند، به جز چند تیم که گاهی می‌درخشیدند و خیلی زود رو به خاموشی می‌رفتند. بعد از انقلاب هم در روی همان پاشنه چرخید، با این تفاوت که چند سالی تیم‌های دیگر هم فرصت خودنمایی پیدا کردند اما در نهایت باز هم این قرمز و آبی بوده و هستند که در مرکز توجهات قرار دارند، البته در این میان نباید از تیم‌های صنعتی غافل بود که بدون سروسدا میلیاردمیلیارد هزینه می‌کنند و دست آخر هم به جایی نمی‌رسند.

اوضاع فوتبال در رده‌های ملی از این هم وحشتناک‌تر است. سال‌هاست از قهرمانی ایران در آسیا می‌گذرد، تیم‌های رده‌های سنی و شاخص‌ترین آنها تیم امید ایران سال‌هاست در حسرت موفقیتی می‌سوزند و کوچک‌ترین توجهی به آنها نمی‌شود. جالب این است که اگر موفقیتی هم به دست می‌آید، اقتدر مورد بی‌مهری و کم‌توجهی قرار می‌گیرد که خیلی زود فراموش می‌شود. در رده ملی تمام توجهات متوجه تیم ملی بزرگسالان است که حاصل تمام آنها در این خلاصه شده که چند دوره متوالی به جام جهانی صعود کرده است، فقط همین، حتی تلاش نشده است حداقل برای یک بار از گروه خود صعود کند، در حالی که رقبای آسیایی‌مان که سال‌ها پشت سر مافارق داشتند، امروز چنان گوی سبقت را ربوده‌اند که ما حتی به گرد پای‌شان هم نخواهیم رسید.

فوتبال ایران در طول تاریخ خود با مشکل مدیریت دست و پنجه نرم کرده و همواره هم از آن شکست خورده است. آنچه امروز هم مشاهده می‌شود همین است؛ فوتبالی که به اهلس سپرده نمی‌شود و اگر هم سپرده شود، این اهل اقتدر، ناکارآمد است که باز پیچه سیاسیون و صاحبان ثروت می‌شود. در نهایت اتفاقی که رخ می‌دهد این است که فوتبال با بلعیدن هزاران هزار میلیارد پول بیت‌المال تنها به عنوان یک سرگرمی و شاید یک فریب بزرگ برای مردم خودنمایی می‌کند؛ فریبی که خودمان هم دوست داریم، آن را باور کنیم با اینکه خوب می‌دانیم اربابان قدرت و ثروت چگونه با آن سرگرم‌مان می‌کنند.

◼◼◼

**بازتاب**



«چنددستگی» آفت کار تیم ملی

## شکست ۲۰۰۶ تکرار نشود

◼◼◼

**حامد قهرمانی**

چنددستگی، اختلاف، باندبازی و الفاظ و اصطلاحاتی از این دست در تیم‌های ورزشی رواج عجیب و غریبی دارد. حالا اگر نام این ورزش فوتبال هم باشد، این اپیدی می‌رگبار تر خواهد بود.

اتفاقات پیش آمده چند ماه گذشته در تیم ملی کشورمان نمونه کوچکی از این چنددستگی‌ها و باندبازی‌هاست؛ مسائلی که هر چند امروز باید ریشه آن را در سومدرپریت و ناکارآمدی حاکم بر فدراسیون فوتبال جست‌وجو کرد اما پیش از این هم سابقه داشته که حتی در اوج قدرت فدراسیون و آرامش حاکم بر فضای فوتبال کشور چنددستگی در تیم ملی کار را به جایی کشانده که حاصلی جز شکست برای‌مان به از مرغان نیآورده است.

تیم ملی ایران امروز در حالی اسیر این چنددستگی است که باید چند ماه دیگر در جام‌جهانی ۲۰۲۲ قطر مقابل حرفران قدرتمندی مانند انگلستان، امریکا و حتی ولز قرار گیرد. بد نیست برای تجربه گرفتن از تاریخ مروری بسیار کوتاه به اتفاقاتی که یکی از بهترین تیم‌های ملی تاریخ فوتبال ایران را به ورطه شکست کشاند، داشته باشیم. ایران با هدایت برانکو ایوانکوویچ یک صعود تاریخی و مقتدرانه را به جام‌جهانی ۲۰۰۶ آلمان داشت؛ تیمی که با بهره‌گیری از ستاره‌های بزرگ و بی‌بدیل فوتبال ایران در آن سال‌ها همراه چهره‌های جوان و جویای نامی که خیلی زود قدم در راه بزرگی گذاشته بودند، امید زیادی داشت که در جام‌جهانی بدرخشد اما آتش اختلاف و چنددستگی چنان بلایی بر سر تیم آورد که حتی از پس آنگولا هم برنیامد، چه رسد به مکزیک و پر تغال. تمامی آنهايي که در اطراف تیم ملی آن سال بودند به این نکته معترفند که چنددستگی حاکم بر تیم باعث شکست شد. تیم سال ۲۰۰۶ در خوشبینانه‌ترین حالت از دو باند تشکیل می‌شد، دسته اول بازیکنان باتجربه تر بودند که سال‌های پایانی فوتبال‌شان را می‌گذراندند و دسته دوم بازیکنان جوان و نامداری بودند که تصور می‌کردند جای‌شان توسط دسته اول اشغال شده است و آمده بودند حق‌شان را از دسته اول بگیرند، بگذریم که دسته سومی هم بودند که روی نیمکت هیچ کدام از این دو دسته را قبول نداشتند. این اختلافات در روند بازی تیم ملی به وضوح دیده می‌شد، عدم‌همکاری بازیکنان باهم در زمین مسابقه و جو کاملاً عصبی تیم در زمین در نهایت تابلویی نازیبا از جام‌جهانی ۲۰۰۶ با یادگار گذاشت؛ همان لگد معروف علی کریمی به ظرف آب کنار نیمکت، دو شکست بد مقابل پر تغال و مکزیک و یک تساوی بدرت از باخت مقابل آنگولا.

برواضح است که تیم ملی امروز ایران هم در همان شرایط قرار دارد و اگر نتواند از این چنددستگی رها شود، آن وقت باید منتظر نتایجی به مراتب بدتر از نتایج سال ۲۰۰۶ بود.